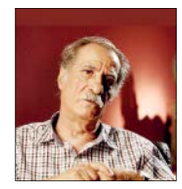

سیاوش طهمورث و همکاری با جواد رضویان

سیاوش طهمورث از بازی در سریال «صفر بیست‌ویک» و آماده بودن یک نمایشنامه بانام «مولانا» خبر داد.

سیاوش طهمورث بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر در گفت‌وگو با صبا درباره فعالیت این روزهای خود در عرصه بازیگری عنوان کرد: این روزها ما بازیگران نیز همانند دیگر اقشار جامعه درگیر مبارزه با کرونا هستیم، اما به‌هرحال از انجام کارهای حرفه‌ای خود نیز غافل نمی‌شویم.

وی با اشاره به این‌که این روزها مشغول بازی در سریال صفر بیست‌ویک به کارگردانی جواد رضویان و سیامک انصاری است، بیان کرد: این سریال برای شبکه سه ساخته می‌شود و در آن با مهدی فخیم زاده، سیامک انصاری، سروش جمشیدی، رویا میرعلمی، نگار عابدی، آزیتا ترکاشوند، جواد رضویان، مریم شیرازی، امیرحسین رستمی، افشین آقایی، پادینا کیانی، مهبد بیور و محمدماهان فلاحتی همبازی هستم.

بهادر اسدی، تهیه‌کننده و کارگردان سریال سرزده به پرسش‌ها و انتقادات مردم در مورد این مجموعه پاسخ داد

در کار بعدی جبران می‌کنم

فاطمه عودباشی
رسانه

اصلان و رضا، دوستان دوران جوانی و رقبای کشتی چوخه بوده‌اند که دست روزگار مسیر آنها را از یکدیگر جدا کرده است. رضا پلیس شده و اصلان به کارهای خلاف کشیده شده است. چهار سال قبل رضا موفق به دستگیری اصلان می‌شود. حال اصلان از زندان آزاد شده و در شب نوزدهم ماه رمضان که همه چیز تحت تاثیر شرایط ویژه کرونا قرار دارد قصد انجام آخرین کارش و توبه‌کردن را دارد که با زده‌شدن رد آنها توسط یکی از افراد رضا تمام برنامه‌ریزی‌ها به هم ریخته و رضا و اصلان مجدد مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و... این خلاصه‌ای از سریال تلویزیونی سرزده از تولیدات صدا و سیمای خراسان رضوی بود که از شبکه یك روانه آنتن و به تازگی تمام شده است. پخش این مجموعه با حرف و حدیث‌های زیادی روبه‌رو شده است، حتی سوتی‌ها و نقدهای مردمی نسبت به این سریال به فضای مجازی سرایت کرده و مرتب درباره بخش‌های مختلف این سریال و اتفاقاتش مطالبی نوشته می‌شود. همچنین ابهاماتی نسبت به برخی بخش‌های سریال دیده شد که همین باعث شد برای مردم سوالات مختلفی شکل بگیرد. تعداد پرسش‌های مردمی کم نیست، این‌که چرا سکانس‌های دعا و تاثیرگذار سریال در صحن حرم ضبط نشده است. چرا صحنه عملیات و گرفتن اصلان با سکانس شب شروع شده و وسط عملیات هوا روشن می‌شود و دوباره به فاصله چند ثانیه هوا تاریك است؟ چرا همسر بشرا تیر به بخشی از بدنش اصابت می‌کند و بعد درگیر مرگ مغزی می‌شود؟ چرا گریم خانم‌های بازیگر سریال مرتب سیاه و سفید می‌شود؟ چرا بازی علی انصاریان سرد و بدون روح است؟... همین پرسش‌هایی که معمولا بینندگان سریال سرزده درباره قصه و دیالوگ‌های آن دارند باعث شد سراغ بهادر اسدی، کارگردان و تهیه‌کننده این سریال برویم و با او درباره ابهامات مختلف اثر صحبت کنیم.

متهم، اجازه ورود به حرم را ندارد!

انتقاد: سریال سرزده در مشهد تصویربرداری شده است، اما از قابلیت‌های این شهر به هیچ وجه استفاده نشده، حتی صحنه‌های دعا هم در صحن حرم امام رضا(ع) ضبط نشد. به عنوان مثال در یکی از سکانس‌ها، انتظار می‌رفت دعاکردن شخصیت روح انگیز (نسیم ادبی) در صحن حرم نشان داده شود. یا زمانی که اصلان برای آخرین بار از رضا می‌خواهد که او را ببرد تا حرم را ببینید و حرف‌هایش را به آقا بزند، فقط نمای بسیار کوتاهی از گلدسته‌های حرم به تصویر کشیده می‌شود و به هیچ وجه بارگاه را نشان نمی‌دهید.

دفاع: زمانی که ما سریال را ضبط می‌کردیم، کرونا شدت گرفته بود و به شدت مردم می‌ترسیدند، حتی حرم امام رضا(ع) هم بسته بود و اجازه ورود به صحن امام رضا را هم نداشتیم. در مجموع ورود و خروج ممنوع بود. این ترس به حدی بود که مردم خانه‌هایشان را اجاره نمی‌دادند تا کار را ضبط کنیم. به همین دلیل از قابلیت‌های شهر مشهد کمتر استفاده کردیم. به همین دلیل ۹۰ درصد سریال را در هتل ضبط کردیم. بنابراین شما بیشتر فضاهای داخلی را می‌بینید. از سوی دیگر بهرنگ علوی نقش متهم را بازی کرده بود و به لحاظ قانونی متهم اجازه ورود به صحن حرم را ندارد. اما از آنجا که ما می‌خواستیم زحمت نیروی انتظامی را نشان بدهیم، سکانسی قرار دادیم که آنها متهم (اصلان) را بردند تا طلب مغفرت کند، زیرا توبه قبلی او بر اساس ریا بود، اما نیروی انتظامی باز هم این ریسك را کرد تا اصلان قبل از رفتن به زندان بارگاه امام رضا را ببیند و او از رافت اسلامی استفاده کرد. همچنین در دیالوگ‌های اصلان خطاب به رضا دیدید که می‌گوید او را زیر سقفی از خدا آورده که ممکن است سال‌ها این بارگاه و آفتاب را نبیند، اما حالا می‌تواند با آقا سلام و خداحافظی کند. دلیل این‌که گلدسته هم کوچك نشان داده شد به این دلیل بود که به ما زاویه نداده بودند. در آن مقطع نه‌تنها حرم بسته بود، بلکه بست‌ها هم بسته بود و اجازه ورود و خروج نداشتیم و ما تا جایی که اجازه داشتیم دوربین را جلو بردیم. البته ما هم دلمان می‌خواست این اتفاق بیفتد و حرم امام مهربانی‌ها را بیشتر نشان بدهیم، اما شرایط کرونا مانع شد.

مانع بزرگ؛ تغییر گریم

انتقاد: صحن حرم در ایام ماه رمضان باز شد و قابلیت استفاده از صحن حرم وجود داشت. پس چرا از این فرصت استفاده نکرده و تعدادی از پلان‌های این سریال را از نو ضبط نکردید، زیرا پخش سریال هم به تعویق افتاده بود و امکان این کار وجود داشت.

دفاع: به خاطر این‌که بازیگران این سریال سر کارهای دیگر رفته بودند و گریم‌هایشان تغییر کرده بود. به عنوان مثال گریم آقای بهرنگ علوی هم تغییر کرده بود و ما نمی‌توانستیم دوباره ضبط کنیم. یا خانم نسیم ادبی هم همین طور. البته زمانی که فیلمنامه نوشته شده بود، خبری از کرونا نبود و قصه متناسب با حال و هوای رمضان در شش قسمت به نگارش درآمده بود. اما بعد از کرونا، آقای محسن نصرپور، مدیر کل صدا و سیمای خراسان رضوی با ما صحبت کرد که بهتر است قصه را با شرایط روز جامعه هماهنگ کنیم و به موضوع کرونا هم بپردازیم. به همین دلیل همراه با آقای سعدوندیان نویسنده به مشهد رفتیم و یك ماه بازنویسی طول کشید. بعد از آن شروع کردیم به ضبط سریال، اما چون کرونا بیشتر شده بود، ۹۰ درصد بازیگران اولیه را از دست دادیم و لوکیشن‌هایی که قرار بود به ما بدهند به خاطر ترس از کرونا نمی‌دادند و ما تنها گروهی بودیم که در این وضعیت کار می‌کردیم، زیرا حتی در آن مقطع زمانی ارشاد هم کارهایش را خوابانده بود.

سوتی در یکی از عملیات‌ها!

انتقاد: یکی از سکانس‌های سریال به یکی از عملیات‌های نظامی مربوط می‌شد. زمانی که علی انصاریان همراه با گروهش برای دستگیری اصلان می‌روند، در ابتدا هوا تاریك است، اما بعد از چند ثانیه هوا روشن می‌شود و بعد از چند ثانیه دوباره هوا تاریك می‌شود. این سوتی دست به دست در فضای مجازی منتشر شده است. دلیل این اتفاق چیست؟

دفاع: ما این سکانس را در دو زمان مختلف ضبط کردیم و تصاویر را به صورت آنلاین برای آقای علی تصدیقی فرستادیم تا اصلاح رنگ تصاویر را انجام بدهند. اما از آنجا که اصلاحیه به کار خورده و ما اصلاحیه را انجام دادیم، در یکی از خروجی‌ها، بخشی از اصلاح رنگ پرید و همین باعث شد تا شما این سکانس را با هوای تاریك و روشن ببینید. البته یکی از خبرگزاری‌ها مصاحبه‌ای با من کرد و جمله‌ای نوشتند که ماگول دوربین را خوردیم! در حالی که دوربین، انسان نیست که گولش را بخوریم. این روزها دیگر برخی فیلمسازان ما مسلح به یکی از خبرگزاری‌ها شدند و از این طریق ساختارهای خودشان را گل می‌کنند و برای بقیه شیطنت راه می‌اندازند. همین شیطنت خبرگزاری باعث شد تا این اتفاق دست به دست شود. البته خیلی هم بد نشد، زیرا مردمی که سریال را نمی‌دیدند، پای مجموعه سرزده نشستند و به بیننده ما اضافه شد.

صحنه ابهام آمیز مرگ مغزی همسر بشرا

انتقاد: صحنه مرگ مغزی همسر بشرا خیلی با ابهام همراه بود. او به بدنش تیر خورد، اما بعد گفته شد او دچار مرگ مغزی شد. به همین دلیل برای مخاطبان گنگ بود.

دفاع: من از ابتدا اعلام کردم که سریال ما پلیسی بوده و طبیعی است که صحنه‌های کشت و کشتار داشته باشیم، چون قرار نبود مخاطب یك سریال ملودرام صرف ببیند. اما صحنه‌های کشت و کشتار هم بی‌ربط به قصه نبود. اما از آنجا که از طرف سازمان دستورالعمل عمل آمده بود که از خشونت زیاد در سریال‌ها و فیلم‌ها پرهیز کنید. در این صحنه رحیم نوروزی دو تیر به هاشم زاده می‌زند، اما وقتی می‌بیند نمرده، تیر خلاص را می‌زند. اما به خاطر همین دستورالعمل فقط شما صحنه یك تیر را می‌بینید، به همین دلیل برایتان گنگ بود، اما در توضیحات دکتر گفته می‌شود که امیدواریم به داروها جواب بدهد و چون این اتفاق نمی‌افتد دچار مرگ مغزی می‌شود. حتی به ما گفته شد که جیغ خانم‌ها را در بیاوریم. در مجموع وقتی ۲۱ دقیقه از یك سریال پر التهاب درآورده شود، همین می‌شود. ما ۶۸ پلان داریم، اما ۲۲ پلان را دیدید.

لباس پلیس برای انصاریان گشاد بود

انتقاد: یکی از انتقادهایی که به سریال وارد است مربوط به بازی علی انصاریان می‌شود که بسیار نقش فرمانده را ضعیف و سرد بازی کرده است و مردم بارها در فضای مجازی گفته‌اند چرا باید نقش فرمانده به علی انصاریان داده می‌شد و می‌گفتند به هیچ وجه برای این نقش مناسب نبود.

دفاع: هدف من از انتخاب علی انصاریان، محبوبیت‌اش در میان مردم بود و دومین دلیلم، قد و هیکل مناسب او برای نقش رضای پلیس بود. در ابتدا خیلی روی بازی او حسابی نکرده بودم، حتی سر صحنه بارها به او تاکید می‌کردم که علی موقع دیالوگ گفتن سرت پایین نباشد. من هم قبول دارم این انتقاد را. لباس فرمانده پلیس برای علی انصاریان گشادتر بود. البته علی با خواندن این مطلب ناراحت می‌شود، اما باید نقد بجا را پذیرفت. همه بازیگران بهرنگ علوی، نسیم ادبی، رویا میرعلمی و... بازی خیلی خوبی در سریال داشتند، حتی رامبد شکرآبی را برای نقشی قرار داده بودم تا بیننده گول بخورد و فکر کند می‌خواهد او کاری انجام بدهد. او هم بازی بسیار عالی‌ای داشت و محبوب دل من شد. می‌توانستم شکرآبی را برای نقش پلیس بگذارم، اما آن محبوبیت را نداشت. در مجموع ساخت این سریال برای خودم هم بسیار همراه با تجربه بود و به بلوغ فیلمسازی رسیدم. ان‌شاءا... در کار بعدی ۹۵ درصد این مواردی را که شما اشاره کردید نخواهید دید. من بسیار هم نقدپذیر هستم، چون اگر باور کنیم بهترین کار را ساختیم، همان روز زمان مرگ ماست. پس باید همیشه تلاش کرد.

بازیگرانی که از قافله جا ماندند

انتقاد: به سریال‌هایی که در استان‌ها تولید می‌شود این نقد وارد است که چرا از تهران بازیگر می‌برند و از استعدادهای استان برای ایفای نقش‌های اصلی استفاده نمی‌شود. این اتفاق هم در سریال سرزده افتاده است.

دفاع: بخشی از این موضوع به صنف تهیه‌کننده، کارگردان، بازیگران و... مربوط می‌شود که باعث شدیم نوید محمدزاده معرفی شود، اما توجهی به بازیگران استانی نکرده ایم. من خیلی علاقه‌مند هستم وقتی اثری در شهرستان تولید می‌کنند از همه بازیگران استان استفاده کنم، اما برخی مدیران موافق این مساله نیستند و به من تاکید می‌کنند بازیگر چهره بیاورم. در حالی که بودجه هم برای آوردن بازیگر چهره کم است. باید به حال سینما افسوس خورد که سلبریتی‌اش محمدرضا گلزار ۴۶ ساله است. خود گلزار هم از این اتفاق خسته شده است. باید بازیگران را بیاوریم و معرفی کنیم. بازیگرانی همچون رضا عطاران، حامد بهداد، زنده‌یاد مطیع، رضا کیانیان و... همه از مشهد هستند، اما تا زمانی که تهران نیایند، کسی دیده نمی‌شود. در حالی که استعدادهای زیادی در شهرستان‌ها داریم و باید مدیران اجازه بدهند تا از آنها برای نقش‌های اصلی بهره ببریم. این روزها در سینما هم مد شده که از ترکیه بازیگر می‌آوریم. این در حالی است که بارها درباره تهاجم فرهنگی سریال‌های ترکی صحبت می‌کنیم و بعد از آنها بازیگر می‌آوریم. مگر ما بازیگر نداریم که از آنجا می‌آوریم. طبیعی است با این اقدامات مهر می‌زنیم و خودمان تهاجم فرهنگی را به کشورمان می‌آوریم.

ماجرای چهره سیاه و سفید بازیگران زن

انتقاد: در برخی صحنه‌های سریال، وقتی دوربین به سمت خانم‌ها می‌رود، چهره آنها سیاه و سفید می‌شود و زمانی که با همبازی آقا هم‌صحبت بودند این تغییر رنگ بسیار جلب توجه می‌کند و این بخش‌ها در فضای مجازی بسیار چرخیده است.

دفاع: بله، قبول دارم گریم بازیگران زیاد بود. اما باید بدانید که ما این سریال را با آزمون و خطا انجام دادیم و آن هم در شرایط سخت کرونا. شما باورتان نمی‌شود که ما چند پالت آرایشی برای خانم‌های بازیگر خریدیم! زیرا در آن زمان همه از هم وحشت داشتند و نمی‌خواستیم گریمور و بازیگر خیلی نزدیك به هم شوند و به دلیل رعایت پروتکل بهداشتی تصمیم گرفتیم رنگ‌ها را طراح گریم به صورت بازیگران بزند و آنها خودشان بقیه گریم را انجام بدهند. در آن زمان حتی بازیگران اجازه نمی‌دادند دست گریمور به صورت‌شان بخورد و چون درگیر استرس‌های کرونا بودند، روحیه‌شان حساس شده بود و کوچك‌ترین حرف ممکن بود منجر به دلخوری شود. به همین دلیل خانم‌های بازیگران صبح‌ها که از خواب بیدار می‌شدند فون آرایشی را می‌زدند و سر کار می‌آمدند. از سوی دیگر در میان گروه دو نفر مبتلا به کرونا شدند و همین وضعیت گروه را حساس کرده بود، اما ما سعی می‌کردیم مرتب از تعداد عوامل کم کنیم و با کمترین نیرو و خلوت‌تر کار را انجام بدهیم. به هر حال ساخت یك اثر در شرایط بحرانی جامعه سخت است و ما هم کامپیوتر نیستیم و بعضی‌ها چیزها طبیعی است که از دست مان در برود.

حذف چند دیالوگ

انتقاد: در یکی از صحنه‌ها بشرا خواهر رضا سر سجاده نماز نشسته است. برادر و زن برادرش با او صحبت می‌کنند تا قلب همسرش را اهدا کند. بعد وقتی رضا و همسرش به طبقه پایین می‌آیند و روح‌انگیز به جمع‌شان ملحق می‌شود، بشرا به جمع‌شان ملحق می‌شود و می‌گوید چی شد؟ در حالی که در صحنه قبل دیدیم که برایش توضیح دادند، اما بعد اعلام بی‌خبری می‌کند.

دفاع: نمی‌دانستیم نباید حلقه روی قرآن گذاشته شود و ما پلانی به این صورت داشتیم و چون چند اصلاحیه در این صحنه‌ها داشتیم و بخشی از دیالوگ‌ها درآورده شد، به همین دلیل به این دو صحنه لطمه زد و باعث شد که این طور دیده شود. در اصل ما می‌خواستیم در این صحنه بی‌محلی‌کردن بشرا را نشان بدهیم، اما حذف چند دیالوگ باعث این ماجرا شد. این اتفاق هم طبیعی است و در سریال‌ها پیش می‌آید.

درباره سریال «سرزده»

از شرارت تا صداقت

رضا صائمی
منتقد

پیش از آن‌که به محتوا و درونمایه سریال «سرزده» بپردازیم باید به شیوه تولید آن اشاره کرد. «سرزده» نمونه‌ای از سریال‌های تولیدی در مراکز صداوسیمای استانی با مشارکت هنرمندان ملی است که فارغ از ضعف‌ها و قوت‌هایش که برای هر مجموعه نمایشی متصور است، نشان داده که این الگو و مدل ساخت چقدر می‌تواند فضا و موقعیت تازه‌ای را هم در سریال‌سازی و هم برای ذائقه مخاطب خلق کند و چه ظرفیت و ظرافت‌های دراماتیکی در آن نهفته است. این سیاست تهران‌زدایی در سریال‌سازی و گسترش دامنه جغرافیایی و فرهنگی آن به سراسر ایران را می‌توان نهضت نوین سریال‌سازی در رسانه ملی دانست که مولفه‌های بومی و قومی را فراموش نمی‌کند. «سرزده» محصول مرکز صداوسیمای خراسان‌رضوی است و همین مساله امکان می‌دهد تا از برخی ظرفیت‌های استانی مثلا حرم امام‌رضا(ع) در نسبت دراماتیك با قصه استفاده شود. «سرزده» قصه‌اش را در ژانری پلیسی- اجتماعی روایت می‌کند که فارغ از کم‌وکیف مضمونی قصه، از جلوه‌های مدرن و امروزی عملیات پلیسی و یگان‌ویژه بهره می‌برد که بر جذابیت‌های فرمی و بصری آن می‌افزاید و البته ریتم و ضرباهنگ آن را هم شتاب می‌بخشد. این تمهید در یك کار پلیسی مماس‌کردن فرم و محتوا است. اما فارغ از این تعلیق‌پذیری‌های بیرونی، قصه واجد تعلیق درونی است که پایه‌های درام بر آن بنا شده. پایه‌هایی که بر عنصر ضدیت و سنخیت بنا می‌شود و دو رفیق قدیمی به اسم رضا و اصلان که یکی پلیس و دیگری مجرم است در یك فضای دوقطبی در برابر هم قرار می‌گیرند. ضمن این‌که قصه به مسائل روز اجتماعی و عمومی هم وفادار است و پای شرایط کرونایی هم به آن باز می‌شود. رضا چهار سال قبل موفق می‌شود که اصلان را دستگیر کند. اصلان اکنون از زندان آزاد شده است و در شب ۱۹ ماه مبارك رمضان که شرایط کرونایی در ایران حاکم است، قصد انجام آخرین کار و توبه کردن را دارد که کارهایش خراب می‌شود. چون رد او توسط یکی از افراد رضا زده شده و رضا و اصلان دوباره روبه‌روی هم قرار می‌گیرند. این رویارویی به تحول شخصیتی رضا منتهی شده و او از یك ضدقهرمان به قهرمان بدل می‌شود.